



از کمیته ملی المپیک تا فدراسیون فوتبال

امیدهای فراموش شده فوتبال ایران



شود، آن وقت جناب عبدی باید از این باشگاه به آن باشگاه دنبال بازیکن بگردد و تازه اگر بخت و اقبال با او یار باشد و باشگاهها بر خلاف همیشه همکاری کنند و بازیکن بدهند، آن وقت آقای سرمربی شاگردانی خواهد داشت با بدن‌های ناآماده و از فرم خارج شده که زمان زیادی باید صرف آماده‌سازی آنها شود. حالا شما بگویید، چنین تیمی نتوان نتیجه‌گیری در بازی‌های آسیایی و بعد از آن رقابت‌های انتخابی المپیک را دارد؟ در نظر داشته باشید که احتمالاً مشکلات سال‌های قبل حتماً تکرار خواهد شد. تیم فوتبال امید هیچ‌گاه در اولویت نبوده و از این به بعد هم در اولویت نخواهد بود. تفاوتی هم نمی‌کند که چه کسی بالای سر آن باشد؛ عبدی یا هر کس دیگر، مربی یا کارنامه یا مربی تازه‌کار. طی سال‌های گذشته تمام اینها امتحان خود را در تیم امید پس داده‌اند. همه هم در یک مورد مشترک بوده‌اند؛ همه شکست خورده‌اند. چرای‌اش هم کاملاً مشخص است، چون تیم فوتبال امید هیچ‌گاه در اولویت برنامه‌ها نبوده، چه در کمیته ملی المپیک و چه در فدراسیون فوتبال و این داستانی است تکراری که هیچ‌گاه پایان خوشی را نمی‌توان برای آن تصور کرد.

صاحبش اوزبان کرد.» به این ترتیب تیمی که در سایه رشته‌های مدال آوری چون کشتی، وزنه‌برداری، تیراندازی تقریباً حرفی برای گفتن نداشت، به فدراسیون فوتبال سپرده شد تا در حاشیه‌های همیشگی این فدراسیون کاملاً ناپدید شود و دیگر همان کورسوی امید هم وجود نداشته باشد. به طور حتم این اصلی‌ترین مشکل تیم امید فوتبال ایران است. اینکه هیچ‌گاه به آن اهمیت داده نشده و هیچ‌گاه در اولویت برنامه‌های فدراسیون فوتبال و باشگاه‌ها قرار نداشته است. امروز هم اوضاع تیم دقیقاً همین است. در فاصله چهار ماه مانده به بازی‌های آسیایی ناگویا، انتصاب سرمربی برای تیمی که وجود خارجی ندارد چه معنایی دارد. حالا می‌خواهد این سرمربی حسین عبدی باشد یا کارنامه‌ای برپا در رده‌های سنی یا هر شخص دیگری. فوتبال چند ماهی است بر خلاف تمام رشته‌های ورزشی تعطیل شده و بازیکنان هم به امان خدا رها شده‌اند. حالا حسین عبدی قرار است چگونه تیم امید را جمع‌وجور کند، سوآلی است که احتمالاً خودش هم نمی‌تواند آن را پاسخ دهد.

عبدی چهار ماه فرصت دارد تا تیمش را برای بازی‌های ناگویا آماده کند. چهار ماهی که فوتبال باشگاهی تعطیل است و تازه اگر هم قرار باشد دوباره بر گراز

گزارش
فردیون حسن

درست در روزهایی که تمام هوش و حواس ورزش به تیم ملی فوتبال و جام جهانی ۲۰۲۶ معطوف است، خبر انتصاب حسین عبدی، به عنوان سرمربی تیم فوتبال امید در رسانه‌ها پخش شد. خبری که خیلی زود در هیاهوی اخبار حاشیه‌ای مربوط به تیم ملی و سفسرش به امریکا کمرنگ و گم شد.

علتش کاملاً مشخص است. تیم امید هیچ‌گاه برای فدراسیون فوتبال اهمیت و اولویت نداشته است. اغراق می‌کند، اگر عنوان کنیم که تیم امید حتی از تیم‌های جوانان و نوجوانان هم کم‌اعتبارتر است. تیمی که هیچ‌گاه وجود خارجی ندارد و همیشه چند ماه قبل از آغاز رقابت‌های تشکیل می‌شود، آن هم بدون سرمربی، چون چند وقتی هم زمان می‌برد تا این بچه سرراهی را به یکی بسپارند.

تیم‌امید تا همین یکی، دو سال قبل زیر نظر کمیته ملی المپیک بود، اما به دلایلی که هنوز هم مشخص نیست با سر و صدای زیاد به فدراسیون فوتبال سپرده شد. پله درست حدس زده‌اید، سر نخواستن امیدهای فوتبال دعواست. کمیته ملی المپیک خیال خودش را راحت کرد و به قول معروف «مال بدر را به بیخ ریخت

نیم‌قرن کابوس المپیک نشدن

تیم‌هایی در این بازی‌ها را منتفی ساخت. المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس هم از سوی ایران تحریم شد تا تیم ملی فوتبال پس از هشت سال برای صعود به المپیک ستول تلاش کند. شاگردان مرحوم پرویز دهداری در بازی‌های انتخابی شرکت کردند، ولی با قبول باخت برابر کویت از رسیدن به المپیک ۱۹۸۸ بازماندند. این آخرین باری بود که تیم‌های بزرگسالان در بازی‌های المپیک به میدان می‌رفتند. تصمیمات جدید فیفا از المپیک ۱۹۹۲ بارسلون اعمال شد و از آن به بعد تیم‌های زیر ۲۳ سال (امید) اجازه حضور در المپیک را داشتند. تیم تازه‌تأسیس امید با هدایت حسن حبیبی و با حضور نفراتی چون خداداد عزیزی، داداش‌زاده و افشین پیروانی در رقابت با تیم‌های قطر، امارات، یمن و پاکستان موفق به کسب جواز المپیک نشد.

در انتخابی المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا باز هم حبیبی سکاندار امیدها بود و ستاره‌هایی از جمله کریم باقری، پاشا‌زاده، میناوند، خطیبی و مهدوی کیا را در اختیار داشت، اما باز هم حسرت صعود به دلمان ماند. امیدها تا انتخابی المپیک ۲۰۰۰ سیدنی حواشی زیادی را پشت سر گذاشتند. در انتخابی تیم زیر ۲۳ سال ایران به ایگور کوردس آلمانی سپرده شد و شاگردانش با دو باخت به بحرین و لبنان چیری جز حذف نصیب‌شان نشد. حضور در المپیک ۲۰۰۴ آتن هم برای فوتبال رویایی دست‌نیافتنی است. تیم امید ابتدا با سرمربیگری محمد مایلی‌کهن به کره جنوبی و چین باخت و بعد از برکناری مایلی‌کهن و آمدن حسین فرکی، نیز امیدها نتوانستند مسافر المپیک شوند. وینگو بولوچ در حالی هدایت تیم امید را بر عهده گرفت که تنها یک ماه تا شروع انتخابی المپیک ۲۰۰۸ باقی ماند و تا کامی دوباره این تیم در صعود به بازی‌های المپیک هیچ‌کس را متعجب نکرد. ترسیدن به المپیک ۲۰۱۲ لندن داستان عجیبی دارد. علیرضا منصوریان سرمربی وقت امیدها در مصاف با عراق از بازیکن محروم استفاده کرد تا نتیجه ۳ بر صفر به سود حریف شود و تیم ملی از گردونه رقابت‌ها کنار رفت. محمد خاکیور هم با امیدها نتوانست به المپیک ۲۰۱۶ ریو برسد. امیدها برای صعود به المپیک توکیو ۲۰۲۰ با هدایت حمید استیلی در آخرین مسابقه خود چین را بردند، ولی به دلیل فاضل گل کمتر نسبت به ازبکستان دستشان به سهمیه نرسید. امیدها در مسیر صعود به پاریس ۲۰۲۴ از ازبکستان باختند و با توجه به کارت‌های زرد بیشتر نسبت به مالزی، یک ناکامی دیگر را تجربه کردند.

اشرف رامین

تا حرف از تیم امید زده می‌شود، ناخودآگاه همه یاد حسرت ۵۲ ساله‌مان برای صعود به بازی‌های المپیک می‌افتند؛ حسرتی که با توجه به شواهد و قرائن و بی‌توجهی‌های بی‌پایان فدراسیون، امیدی به پایان آن نیست. بازی‌های المپیک برای همه کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد. در واقع بخش اعظم برنامه‌ریزی کشورهای صاحب‌نام در عرصه ورزش برای درخشش در این آوردگاه است. اگر چه جام جهانی مهم‌ترین آوردگاه فوتبالی محسوب می‌شود، اما مدعیان هر گز المپیک را دست نمی‌گیرند و کسب مدال در این بازی‌ها برایشان حکم یک موفقیت بزرگ فوتبالی را دارد.

عکس این تفرقات در فوتبال ما حاکم است و توجه به تیم زیر ۲۳ سال جزو اولویت‌های فدراسیون‌مان هم نیست. در روزهایی که همه فکر و ذکر مهدی تاج و همکارانش معطوف به جام جهانی و دریافت ویزای امریکا است، نباید تیم امید را فراموش کرد. امیدها همان تیمی هستند که قرار است در بازی‌های مقدماتی المپیک لس‌آنجلس به میدان بروند تا شاید پس از چند دهه طلسم نرسیدن فوتبال ایران به این بازی‌ها شکسته شود. آخرین حضور فوتبال کشورمان در المپیک به بازی‌های ۱۹۷۴ مونترال برمی‌گردد و تیم ملی در آن دوره از مرحله گروهی صعود کرد. البته ایران به بازی‌های ۱۹۸۰ مسکو هم صعود کرد، ولی تحریم المپیک مسکو حضور



مسئولیت ملی عبدی در تیم امید

بود. جام جهانی نوجوانان پاییز ۱۴۰۲ بر گراز شد و نوجوانان ایران در یکی از سخت‌ترین بازی‌های مرحله گروهی خود، تیم ملی برزیل را ۳ بر ۲ شکست دادند. این اولین برد تاریخ فوتبال ایران در یک بازی رسمی برابر برزیل بود. اگر چه در بازی بعدی المپیک هند و این انگلیس شدیم، ولی ملی پوشان نوجوان ۵ بر صفر نیوکالدونیایا بردند و جشن صعود به یک‌هشتم‌نهایی گرفتند. در مصاف با مراکش نیز ایران در ضربات پنالتی نتوانست به مرحله بعد صعود کند. از جمله تصمیمات درست فدراسیون فوتبال، انتخاب حسین عبدی برای تیم ملی جوانان بود. در واقع او به همراه شاگردانش یک رده بالا آمدند. تیم ملی جوانان قدماتی جام‌ملت‌های آسیا را با سه پیروزی به پایان رساندند. در جام ملت‌ها نیز با برد در مرحله گروهی به سد بلند زاین خورد و باز هم کابوس پنالتی‌ها یقه تیم عبدی را گرفت و در جام جوانان اجازه صعود بیشتر نداد. شرایط فعلی حسین عبدی بهترین گزینه برای تیم زیر ۲۳ سال ایران است. امیدها که اردوهایشان را شروع کرده‌اند باید با تمام توان بر سر حضور در بازی‌های آسیایی ناگویا آماده

شودند. بر خلاف رشته‌های مدال آور، فوتبال ایران سال‌هاست در المپیک آسیایی حرفی برای گفتن ندارد و در بازی‌های هانگزو نیز تیم‌ها عیناً تیمی در مدال نزدیک هم نشد. از طرفی ایرانی‌ها ۵۲ سال است که منتظر صعود به المپیک هستند و این توقعات کار عبدی و امیدها را سخت می‌کند. سرمربی جدید امیدها بهتر از همه می‌داند چه مسئولیت سنگینی را پذیرفته است. حسین عبدی هم مثل هموطنانش رؤیای صعود به المپیک را دارد: «افتخار می‌کنم در چنین جایگاهی برای جوانان کشور فعالیت می‌کنم. شاید نقش کوچکی به من داده شده باشد، اما این مسئولیت اهمیت بسیار زیادی دارد. این آمورت به من محول شده و خوشحالم که در این مسیر قرار گرفته‌ام. قبلاً هم چنین پیشنهادی داشتم، اما در شرایط فعلی، مهم این نیست که دوست باشم یا نه، بلکه موضوع اصلی، وظیفه سنگین ملی است. زمان کمی در اختیار دارم و باید شتاب‌هراز تلاش کنیم تا وظیفه خود را به بهترین شکل انجام دهیم. نگاه ما به بازی‌های آسیایی ناگویا، بخشی از مسیر موفقیت و آماده‌سازی برای حضور در المپیک ۲۰۲۸ روسیا را باید به برز مسابقات تبدیل کنیم. اگر اکنون این مسیر را طی نکنیم، پس چه زمانی باید این اتفاق رخ دهد. هدف اصلی من المپیک است و با تمام وجود برای آن تلاش می‌کنم. می‌خواهم بازیکنانی تربیت کنیم که با کسب هدیه مناسب در بازی‌های آسیایی ناگویا، مسیر بهتری را برای رسیدن به المپیک و رقم زدن اتفاقات خوب طی کنند.»

شیوا نوروزی

عملکرد در خشان حسین عبدی در تیم‌های پایه، فدراسیون را برای انتخاب او به عنوان سرمربی تیم امید مجاب کرد. بعد از مدت‌ها پلاکتی و قطع همکاری امیررضا رواخواه، سرانجام فدراسیون هفته گذشته خبر سرمربیگری عبدی را اعلام کرد. با وجود همه فرصت‌سوزی‌ها و پلاکتی‌نگهداشتن تیم امید، فدراسیون نیاز صعود دم از حمایت، پشتوانه‌سازی و هدف‌سازی برای صعود به المپیک زده است. این در حالی است که عملکرد ضعیف امیدها در جام ملت‌های آسیا اهالی فوتبال و مردم را بیش از پیش نگران ساخت. دقیقاً بعد از همین ناکامی بود که پلاکتی‌فولانی تیم زیر ۲۳ سال آغاز شد و حسین عبدی، گزیننده اصلی فدراسیون، در نهایت سکان‌داری تیم امید را پذیرفت. عبدی سرمربی اسبق تیم ملی نوجوانان است و استفاده‌اش از هدایت تیم ملی جوانان هم استعفا داد. در واقع کارنامه قابل دفاع او در این دو دوره سستی باعث شده تا دوباره حرف‌ها توجه به رده‌های پایه زده شود. درخشش شاگردان او در جام جهانی زیر ۱۷ سال ۲۰۲۳ تاریخی



بر انکو؛ آخرین مرد موفق تیم امید

مشکل از استعداد‌های خوب فوتبال ایران در اوایل دهه ۹۰ شمسی قربانی بحران مدیریتی فدراسیون شد، آن هم با شکست مقابل تیم‌های درجه ۲ و ۳ آسیا. البته این نخستین بار نبود که امیدهای فوتبال ایران به دلیل تصمیمات خلق‌الساعه فدراسیون متضرر می‌شدند. بی‌توجهی به این واقعیت که باید دانش فنی تیمک‌تیم را بالا برد، سکان هدایت این تیم را به امثال عنایتی و روانخواه هم سپرد، آن هم در شرایطی که هر دو قبل از قبول سکان هدایت امیدهای فوتبال ایران تجربه تلخی در رده باشگاهی داشتند و این تجربه را در تیم المپیک ایران هم تکرار کردند تا شاهد نتایج فراموش‌نشده‌ای چون حذف از بازی‌های آسیایی با شکست برابر هنگ‌کنگ و مسائلی از این دست باشیم؛ صرفاً چون سرمربی تیم امید عمدتاً بدون بررسی همه‌جانبه و توجه به اهمیت این تیم و هدفی که دارد انتخاب می‌شود.

بنا به دلایلی لغو می‌شد یا عدم همکاری باشگاه‌ها مانع از برپایی اردوی تدارک‌کیده می‌شد. بروز چنین اتفاقاتی موجب شد غلام پیروانی از سمت هدایت تیم ملی امید استعفا دهد و تمامی مسئولان را به نایب‌گویی متهم کند. در واقع همین مسائل باعث شد که پیروانی بعد از پایان بازی‌های آسیایی گوانگزو از کار خود کناره‌گیری کند و پس از کش‌وقوس‌های فراوان، سرانجام هومن افاضلی، یکی از اعضای کمیته فنی، به عنوان جمع‌کننده تیم کار را در دست بگیرد. افاضلی در مدت حضورش در تیم امید چند اردوی آماده‌سازی برپا کرد که سرانجام در پایان این اردوها تصمیم گرفت از کریم انصاری‌فرد و احسان حاج‌صفی، دو بازیکن اصلی ایران در بازی‌های آسیایی، استفاده کند. اما هومن افاضلی تنها با یک هفته فرصت، آن هم بدون حضور کامل بازیکنان، در تیم ملی زیر ۲۲ سال به عمان رفت و با کسب چهار امتیاز از دور رقابت‌ها حذف شد. بعد از او، هدایت امیدها به وینگادا سپرده شد. مربی برتغالی هیچ گونه انتقادی را تحمل نمی‌کرد و فاجعه اینچئون، هدیه ویژه او به فوتبال ایران نبود. اما او خوش شانس بود که نتایج ضعیف تیمش حدفاصل افتخار آفرینی و البالیست‌ها و احتمالاً مدال آوری روزهای آینده کاروان ایران در اینچئون قرار گرفت تا خیلی به چشم نیاید. اما این واقعیت هر گز فراموش نشد که تیمی

شمیم رضوان
سکان هدایت امیدهای فوتبال ایران در حالی امروز به دست حسین عبدی سپرده شده که در طول سال‌های گذشته در بین مربیان با تجربه و بی‌تجربه زیادی دست به دست شده، اما هیچ‌یک نتوانستند موفقیت رقم‌خورده از سوی برانکو را تکرار کنند و به حسرت المپیک شدن پیروانی که با سابقه ۱۰ سال حضور در تیم فجر سیاسی، یکی از مربیان با تجربه و قدیمی فوتبال است و چه روانخواهی که هنوز هیچ‌کس نمی‌داند بر اساس کدام رزومه و چرا برای هدایت امیدهای ایران انتخاب شد. غلامحسین پیروانی سال ۲۰۱۰ و در آستانه بازی‌های آسیایی گوانگزو بود که هدایت امیدهای فوتبال ایران را پذیرفت، اما هرگز تصورش را نمی‌کرد نه باشگاه‌ها آطور که باید حمایت خواهند کرد و نه حتی فدراسیون. به همین دلیل پس از عدم موفقیت در این مسابقات و ایستادن در رده چهارم بازی‌های آسیایی از سمت خود استعفا کرد.

در زمانی که غلام پیروانی هدایت تیم ملی امید را بر عهده گرفت، فدراسیون فوتبال و کمیته ملی المپیک بر سر همکاری نکردن با تیم امید تسوپ را به زمین یکدیگر انداختند و هیچ‌کدام از ارگان‌ها مسئولیت و حمایت‌های لازم از تیم ملی را بر عهده نگرفتند، در حالی که تیم ملی امید باید خود را آماده حضور در بازی‌های آسیایی گوانگزو می‌کرد تا بتواند با حضور موفق در این رقابت‌ها حسرت ۳۶ ساله حضور در المپیک را نیز پایان دهد. تمامی اردوها و بازی‌های دوستانه تیم ملی امید یا

۲۰ سال در حسرت سکوی آسیا

دوره بعدی حتی نتوانست خود را به همان سکوی برانفتاد چهارم نیز نزدیک کند. ۲۰۱۰ گوانگزو امیدی برای فتح آسیا وجود داشت. شاید چون امیدهای فوتبال ایران شروع خوبی داشتند و با کسب ۹ امتیاز از سه برد مقتدرانه راهی مرحله بعد شده بود و مصاف با مالزی، تیم سوم گروه اول در یک‌هشتم‌نهایی نمی‌توانست کار چندین دشواری باشد، اما بعد از چهار برد بی‌دردی، امیدهای ایران با شکست مقابل ژاپن از صعود به نیمه‌نهایی بازماندند و راهی رده‌بندی شدند. جایی که عین ناپاوری در یک بازی عجیب در حالی که تا دقیقه ۷۸ با نتیجه ۳ بر ۲ که از کره جنوبی پیش بودند، با حساب ۳ بر ۳ شکست خوردند تا دستشان به برز مسابقات هم نرسد.

اوضاع ۲۰۱۴ در اینچئون به مراتب بدتر از گوانگزو بود، چرا که امیدهای ایران در عین ناپاوری کار خود را با شکست سنگین و پر گل ۴ بر یک مقابل ویتنام آغاز کردند. شروعی فاجعه‌بار که ایران را برای صعود محتاج برتری مقابل قریزستان کرد، اما تیمی که کارش را با شکست آغاز کرده بود، با تساوو مقابل قریزستان ادامه داد تا با پیروزی یک بر صفر تیم فوتبال امید ویتنام برابر قریزستان، حذف تیم ملی امید ایران از گروه هشتم بازی‌های آسیایی اینچئون قطعی شود.

قبل از بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ فدراسیون مدعی شد که به دلیل همکاری نکردن باشگاه‌ها، از اعزام تیم ملی به جاکارتا منصرف شده است. با وجود این، امیدهای فوتبال ایران که در این دوره سکان هدایتشان را کرانچار به دست گرفته بود راهی جاکارتا شدند. در این دوره ایران با عربستان، کره شمالی و میانمار هم‌گروه بود که به ترتیب یک تساوی، یک پیروزی و یک باخت کسب کرد و به عنوان تیم صدرنشین گروه شش راهی دور یک‌هشتم‌نهایی این رقابت‌ها شد، اما در نهایت با شکست ۲ بر صفر مقابل کره جنوبی در یک‌هشتم‌نهایی از راهیابی به یک‌چهارم هم بازماند. با این وجود هیچ‌کس تصورش را هم نداشت که قرار است چهار سال بعد در هانگزو افتضاحی تاریخی به بار آید. ایران در این دوره به همراه عربستان، ویتنام و مغولستان در گروه B قرار داشت و به عنوان صدرنشین به یک‌هشتم‌نهایی راه یافت و در این مرحله با شکست امیدهای تایلند به جمع هشت تیم نهایی رسید، اما در عین ناپاوری در یک‌چهارم‌نهایی یک بر صفر به هنگ‌کنگ باخت و از صعود به نیمه‌نهایی بازماند؛ شکستی که در واقع یک افتضاح تاریخی در فوتبال ایران بود.

